

- ۱- سیاست‌های آمریکا در غرب آسیا
- ۲- مسائل داخلی رژیم صهیونیستی و مسائل داخلی آمریکا
- ۳- محور مقاومت، حوزه خلیج فارس، اروپا، قفقاز و آسیای میانه
- ۴- موضوعات مربوط به سیاست داخلی و خارجی ایران، برجام، اعتراضات مردمی و رهبری
- ۵- توثیقات منتشر شده از سوی فعالان و مقام‌های سیاسی جهان



که مشخصه لفاظی‌های نیابتی تهران در منطقه را همیشه در سخنان و عقایدش داشت. وی در سخنانی در بیروت در سال ۲۰۰۲ گفت: «از جمله آیات و نشانه‌هایی که ما را راهنمایی می‌کنند، در پیش‌گویی‌های اسلامی این است که این کشور (اسرائیل) تشکیل می‌شود و یهودیان از تمام نقاط جهان به فلسطین اشغالی حرکت می‌کنند و جمع می‌شوند، نه برای اینکه ضد مسیح شوند و پایان جهان را به وجود بیاورند، بلکه خدای متعال می‌خواهد شما را از رفتن به انتهای جهان نجات دهد، زیرا آن‌ها در یک مکان جمع شده‌اند و نبرد نهایی و سرنوشت ساز در آنجا رخ خواهد داد.

ادامه در صفحه ۲

همان‌طور که مشخص است؛ اما به ندرت توسط دیپلمات‌ها و مقامات غربی بیان شده است، نصرالله قدرتمندترین مرد لبنان و حاکم واقعی آن بود. او رهبری یک نیروی نظامی و یک ساختار سیاسی را بر عهده داشت که دولت رسمی لبنان را فردی ضعیف و بی‌دست و پا جلوه داد و یک شورش موفق علیه اسرائیل از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۰ و یک جنگ بی‌نتیجه در سال ۲۰۰۶ را مدیریت کرد. پس از شکست ملی‌گرایان طرف‌دار غرب در سال ۲۰۰۸، دولت رسمی لبنان و کابینه‌های آن قادر به چالش کشیدن حزب‌الله نبودند. سید حسن نصرالله در بیانه‌های عمومی خود نمونه‌ای از تلفیق مخالفت با اسرائیل و خصومت الهیاتی با یهودیان بود

اسپکتیتور

جانانان اسپایرا

ترور حسن نصرالله، رهبر حزب‌الله لبنان فراتر از روبرویی فوری بین اسرائیل و دشمنان اسلام‌گرای آن است. نصرالله، هم رهبر و هم نماد تلاش ایران برای هژمونی قدرت محور مقاومت در جهان عرب بود. مبارزان او آرمان ایران را در سوریه، عراق، یمن و فراتر از منطقه (به اروپا، آفریقا و آمریکای لاتین) پیش بردند. کارشناسان اسرائیلی شب گذشته در مورد احتمال کشیده شدن و خامت وضعیت موجود به یک جنگ همه‌جانبه بحث کردند.

مسیرهای مناقشه
قفقاز جنوبی

نامزدهای جمهوری خواه
و سقط جنین

آخرین ماه‌های زندگی
حسن نصرالله

نظام ایران مشکلاتش را پشت گوش می‌اندازد



ایران با «انتخاب‌های بدی» پس از نابودی حزب‌الله مواجه است

نیوزویک

برندان کول

رهبر ایران گفته است که نمایندگان کشورش در پی ادعای اسرائیل مبنی بر کشته شدن حسن نصرالله، در کنار حزب‌الله ایستاده‌اند. یک کارشناس منطقه‌ای به نیوزویک گفت، با این حال، تهران در نحوه مقابله به مثل محدود است. نیروهای ارتش اسرائیل روز شنبه اعلام کردند که در یک حمله هوایی احمد محمد فهد، رئیس شبکه حماس در جنوب سوریه را کشته‌اند. ارتش اسرائیل سپس افزود که نصرالله در حمله هوایی روز جمعه در ضاحیه، جنوب بیروت، لبنان «از بین رفت».

پس از حمله حماس به اسرائیل در ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳، که جرقه جنگ در غزه را برانگیخت، حزب‌الله متعهد به حملات موشکی مداوم به شمال اسرائیل شد و ده‌ها هزار غیرنظامی اسرائیلی را مجبور به تخلیه کرد.

رسانه‌های ایران گزارش دادند که سردار سرتیپ عباس نیلغروشان نیز در حملات به بیروت ترور شد.

حمیدرضا عزیزی، پژوهشگر اندیشکده مؤسسه آلمانی امور بین‌الملل و امنیت (SWP) در برلین، گفت که ایران با حرکت بعدی دشواری مواجه است.

عزیزی افزود: ایران متعهد شده بود که انتقام حمله اسرائیل به کنسولگری تهران در دمشق را در آوریل بگیرد، اما حملات موشکی و پهپادی این کشور به اسرائیل بازدارنده نبود.

عزیزی گفت که یکی از گزینه‌های ایران ورود به جنگ خواهد بود، اما این باعث واکنش گسترده اسرائیل می‌شود. حرکت دیگری می‌تواند منتظر تلاش‌های بین‌المللی برای توقف جنگ‌ها در غزه و لبنان باشد، اما این نشان‌دهنده کاهش تنش نشان نمی‌دهند.

عزیزی گفت که تهران همچنین می‌تواند تلاش کند تا آنچه از شبکه‌های شریک و نیابت‌ها باقی مانده است، مانند حوثی‌ها در یمن و شبه‌مناظریه‌ها، که هنوز در سوریه مستقر هستند، بسیج کند، اما «عدم فرماندهی جدی» این شبکه پس از مرگ نصرالله وجود دارد.

تهران اکنون دو گزینه دارد و این حتی انتخاب بین بد و بدتر نیست. هر دوی آن‌ها از نظر پیامدهای استراتژیک انتخاب‌های بسیار بدی هستند. موقعیت فشار اسد نیز می‌تواند به طور فزاینده‌ای در برابر جناح‌های شورشی آسیب‌پذیر شود. این تغییر ممکن است اسد را تشویق کند تا از نفوذ ایران فاصله بگیرد.

ibit.ly/5c69a

صورت گرفت، اما به همان اندازه صورت گرفت، اما به همان اندازه محتمل است که حزب‌الله به طور مستقل به دنبال انتقام باشد. انتقام قتل موسوی در سال ۱۹۹۲ با حمله به سفارت اسرائیل در بوئنوس آیرس و به دنبال آن تخریب یک مرکز جامعه یهودی در همان شهر در سال ۱۹۹۴ انجام شد.

اثر اصلی قتل حسن نصرالله یک اثر اخلاقی است. دیشب که اولین گزارش‌ها از کشته شدن نصرالله منتشر شد، به دو رفیق دوران ارتش اسرائیل فکر کردم که در جنگ با حزب‌الله جان باختند. امیدوارم خانواده‌های حزب‌الله شب گذشته احساس در هم شکستن داشته باشند. از مکالمات دوازده ساعت گذشته با دوستان سوری، عراقی و ایرانی، می‌توانم تصدیق کنم که بسیاری دیگر در سراسر منطقه (از جمله در مکان‌هایی که به طور رسمی تحت کنترل نیروهای همسوی با ایران هستند) همین احساس را دارند و بسیاری اکنون جان تازه گرفتند و بسیاری نیز در اسرائیل خوشحال شدند و در باور قدرت کشورشان امیدوارتر شده‌اند.

<https://shorturl.at/G035s>

شده‌اند و حمله دیشب به یک مقر فرماندهی در زیر یک ساختمان آپارتمانی در مرکز حزب‌الله در جنوب بیروت که تمام این مرکز را از بین برد، اوج کارزاری است که بیش از پانصد مبارز حزب‌الله را از بین برده است و اسرائیل تاکنون بعد از حمله پیچرها انجام داده است.

البته ترورها هیچ تضمینی ندارند. نصرالله پس از کشته شدن سلف کم‌توان خود، به رهبری رسید. ضربات وارد شده به حزب‌الله به معنای از دست دادن ظرفیت‌های اصلی خود نیست. حزب‌الله به تیراندازی کور خود به شمال اسرائیل ادامه می‌دهد، به این معنی که ۸۰ هزار پناهجوی داخلی اسرائیل هنوز نمی‌توانند به خانه بازگردند.

کارشناسان اسرائیلی شب گذشته در مورد احتمال بدتر شدن به یک جنگ همه‌جانبه با ایران به‌طور بالقوه وارد بحث شدند. هیچ چیز را نباید رد کرد و هویت افسران ایرانی که در کنار نصرالله در سنگر بیروت کشته شدند، هنوز فاش نشده است. به یاد داشته باشید، حمله ایران به اسرائیل در روز ۱۴ آوریل در واکنش به کشته شدن سردار محمدرضا زاهدی در دمشق

(با نابودی همه آنان در یک مکان به این نبرد پایان می‌دهید) و در جای دیگر، در سخنانی به مناسبت روز عاشورای شیعیان گفت: «اگر در تمام دنیا به دنبال فردی ترسوتر، حقیرتر، سست‌تر و ضعیف‌تر از نظر روانی، ذهنی، عقیدتی و دینی می‌گشتیم، کسی مانند یهودیان را پیدا نمی‌کردیم».

اکنون باید در نظر داشت که تأثیر احتمالی خروج نصرالله چیست؟ ابتدا باید اهمیت افراد در رهبری سیاسی و نظامی را به خاطر بسپاریم. نصرالله مانند قاسم سلیمانی، رهبر سپاه قدس، یکی از معماران پروژه سیاسی و نظامی بود که موفقیت‌های ایران را در دو دهه اخیر به ارمغان آورده است، پروژه‌ای که هنوز پس از ترور سردار سلیمانی توسط آمریکایی‌ها در ماه ژانویه ۲۰۲۰ بهبود نیافته است.

کشتن نصرالله یک پروژه یک هفته‌ای برای سربریدن حزب‌الله را تکمیل می‌کند. فؤاد شکر، رئیس ستاد ارتش، ابراهیم عقیل، رئیس نیروی رضوان، ابراهیم قیسی فرمانده نیروی موشکی و تعداد زیادی از عوامل ارشد دیگر، قربانی حملات هدفمند اسرائیل در هفته‌های اخیر

آخرین ماه‌های زندگی حسن نصرالله

اسطوره حزب‌الله

در هم شکست!

هیل

دیوید رمضان

در دهه ۱۹۸۰ بود که در میان آشفتگی لبنان، حزب‌الله ظهور کرد، گروهی که وعده مقاومت در برابر اشغالگری اسرائیل و آزادی لبنان را داد. برای بسیاری، حزب‌الله به نماد مقاومت، چراغ قوت برای جمعیتی خسته از جنگ و به حاشیه رانده شده، به ویژه در جامعه شیعه تبدیل شد. اما پس از گذشت نزدیک به چهار دهه از حیات حزب‌الله و دوده از تسلط کامل آن بر کشور، روشن است که قدرت حزب‌الله بر پایه‌ی اخلاق نادرست بنا شده است و چیزی که تنهایی توان آن را به عنوان ناتوانی فلاکت‌بار در برابر اسرائیل توصیف کرد.

با وجود تمام لفاظی‌هایش در مورد حفاظت از لبنان در برابر تجاوزات اسرائیل، اقدامات حزب‌الله در سال‌های اخیر بیشتر برای بی‌ثبات کردن این کشور بوده است تا محافظت از آن و اکنون، با نفوذ اخیر اسرائیل و برچیدن سیستماتیک دستگاه نظامی حزب‌الله، شکاف‌های تصویر آن بیش از هر زمان دیگری نمایان است.

در چند روز گذشته، اسرائیل مجموعه‌ای از حملات ویرانگر را انجام داده است که شکنندگی ماشین نظامی حزب‌الله را آشکار کرده است. پس از ماه‌ها تنش بی‌امان، صدها جنگجو کشته شدند، هزاران حمله‌هواپی انجام شد، واضح است که قدرت نظامی حزب‌الله آن چیزی نیست که زمانی ادعا می‌کرد.

حزب‌الله مدت‌هاست که خود را در روایت برتری می‌پوشاند و ادعا می‌کرد که حضور نظامی آن خارج از اقتدار دولتی لبنان، به عنوان یک نیروی مقاومت، به نام دفاع از لبنان موجه است. با این حال، آنچه اکنون می‌بینیم، آشکار شدن ناتوانی اسفبار آن است. حزب‌الله علی‌رغم دل‌آوری‌هایش نتوانست از خود در برابر دشمنی که قول مقاومت در برابر آن را داده بود، محافظت کند.

این شکست فقط نظامی نیست، اخلاقی نیز هست.

اکنون، در حالی که حزب‌الله تلاش می‌کند تا آنچه از ساختارش باقی مانده است را نجات دهد، لبنانی‌ها باید از خود بپرسند که آیا این واقعا آینده‌ای است که آن‌ها برای کشور می‌خواهند؟

مردم لبنان دیگر نمی‌توانند گروهان گروهی باشند که منافع آن‌ها نه در صلح یا رفاه، بلکه در تداوم درگیری است.

ibit.ly/cMBZ2



هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس نیز هنگام سفر به تهران برای شرکت در مراسم تحلیف مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران کشته شد. نصرالله بارها اعلام کرد که نقش حزب‌الله را کمک به حماس به عنوان یکی از اعضای «محور مقاومت» و خنثی کردن تلاش‌های اسرائیل برای آزادی گروگان‌های اسرائیلی و تأمین امنیت مرزهای اسرائیل با استفاده از تجربه قبلی خود در جنگ لبنان در سال ۲۰۰۶ می‌داند. درگیری نزدیک به دو ماهه در روز ۱۲ جولای ۲۰۰۶ آغاز شد، زمانی که حزب‌الله حمله‌ای فرامرزی را آغاز کرد و سربازان اسرائیلی را کشته، زخمی و ربوده است.

این بازتاب پاسخ [آیت‌الله] خامنه‌ای، رهبر ایران به جنگ لبنان در سال ۲۰۰۶ و خصومت‌های آغاز شده توسط حزب‌الله است که جرعه آن را برانگیخت. چند روز پس از آتش بس در سال ۲۰۰۶، رهبر ایران از حزب‌الله و دبیرکل آن نصرالله به خاطر جنگ مخربی که شروع کرده‌اند تمجید کرد و گفت: «شما برتری نظامی خود را بر اسرائیل تحمیل کردید و افسانه شکست‌ناپذیر بودن ارتش صهیونیستی را به سخره گرفتید.»

t.ly/SjFck

امام خامنه‌ای آشکارا از جنبش‌های مقاومت در لبنان، فلسطین و منطقه حمایت و پشتیبانی می‌کند. چند روز بعد در ۲۰ آبان، نصرالله روز ۱۶ مهر را نقطه شروع حملات مستمر نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی به اسرائیل معرفی کرد و گفت: «ما در نبرد انباشت دستاوردها، امتیازات و نبرد زمان هستیم.»

از زمان این سخنرانی‌ها، حزب‌الله هزاران موشک به سمت شمال اسرائیل پرتاب کرده و ده‌ها هزار غیرنظامی اسرائیلی را از خانه‌های خود آواره کرده است. حملات موشکی حزب‌الله به یک تجربه روتین تبدیل شده است که منجر به کشته‌ها و زخمی‌های متعدد اسرائیلی و همچنین خسارات شدید به چندین شهر، روستا و شهرک در شمال اسرائیل شده است.

یکی از مرگبارترین حملات حزب‌الله در روز ۲۷ جولای ۲۰۲۴ زمانی رخ داد که موشک شلیک شده توسط این گروه تروریستی به زمین فوتبال در شهر مجدال شمس اسرائیلی-دروزی اصابت کرد و ۱۲ کودک را کشت.

سه روز بعد، فواد شکر، یکی از شخصیت‌های ارشد حزب‌الله در حمله هوایی اسرائیل به حومه حریت در بیروت ترور شد. روز بعد، اسماعیل

نشانی اینترست

اردمیر/نوریل

ترور حسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله در روز ۲۷ سپتامبر توسط اسرائیل، دوره جدیدی را در درگیری بین اسرائیل و جمهوری اسلامی ایران و گروه‌های تروریستی آن در لبنان و فراتر از آن رقم می‌زند. در هفته منتهی به حمله اسرائیل به مقر حزب‌الله در بیروت، نیروهای اسرائیلی بیش از هزار و ۶۰۰ هدف را در لبنان هدف قرار دادند. کلید درک این تحولات، پیوند حزب‌الله و حماس حکومت ایران است که با حمایت فعال و خود خوانده حزب‌الله از جنگ حماس علیه اسرائیل از ۱۷ اکتبر نشان داد.

پس از حمله حماس در ۱۷ اکتبر، حزب‌الله به دیگر گروه‌های تروریستی حکومت ایران در غرب آسیا، از جمله در بحرین، عراق و یمن پیوست تا اسرائیل را با طیف وسیعی از حملات موشکی و پهپادی در حال تشدید هدف قرار دهد.

اقدامات حزب‌الله توسط بازدارندگی اسرائیل و آمریکا مهار شده است که منجر به این شد که یکی از مقامات ارشد حماس اظهار داشت که اگرچه حماس از حملات حزب‌الله که اسرائیل را هدف قرار می‌دهد قدر دانی می‌کند، اما آن‌ها «خواست‌های بیشتری» از این گروه دارند. با این وجود، پیوند ترور بین حماس و حزب‌الله که محور برنامه‌ریزی‌های حکومت ایران برای منطقه است، در اظهارات فتنه‌انگیز رهبری ارشد حزب‌الله و کارزار همراه با حدود ۸ هزار حمله موشکی از لبنان مشهود است.

در روز ۳ نوامبر ۲۰۲۳، کمتر از یک ماه پس از حمله ۱۷ اکتبر، نصرالله اولین سخنرانی عمومی خود را پس از ۱۷ اکتبر ایراد کرد که در آن از کشتار جمعی و ربودن شهروندان اسرائیلی تمجید کرد. نصرالله در ادامه از جمهوری اسلامی ایران به دلیل حمایت از «محور مقاومت» (شبکه نیابتی حکومت ایران از جمله حزب‌الله علیه اسرائیل) و قسم به نابودی اسرائیل تمجید کرد و گفت: «جمهوری اسلامی ایران از زمان امام خمینی (ره) تا به امروز به رهبری

اسرائیل بر می خیزد



کامنتری

جان بودهورتز

با توجه به ماهیت وقایع شگفت‌انگیز در غزه و لبنان در ماه گذشته، باید این یک واقعیت واضح را بشناسیم: اسرائیل سال گذشته رانه تنها در جنگ دو جبهه‌ای در زمان واقعی صرف کرد، بلکه از هر قدم آن درس گرفت.

نیازی نیست که همه آن را برای شما تکرار کنم، اما این کار را خواهم کرد، زیرا بسیار هیجان‌انگیز است. حذف حسن نصرالله، رهبر حزب‌الله از سال ۱۹۹۲، دوره‌ای از اقدامات جسورانه اسرائیل را به اوج رساند:

- ترور رهبران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، زنده‌ترین واحد نظامی تهران، در ساختمانی در سوریه
- استفاده اسرائیل از نوعی سلاح علمی-تخیلی پس از حمله موشکی ناکارآمد ایران
- ترور اسماعیل هنیه در داخل تهران در مجتمع آپارتمانی تحت مالکیت و اداره آخوندهای رهبر حماس

به نظر می‌رسیدند و از تسلیم شدن در برابر آن امتناع می‌کردند. اسرائیل، از طریق ابزار دموکراتیک مناسب گفت که دیگر منتظر توافقی که به وجود نیاید، نمی‌ماند. موضع آمریکا در همه این موارد در ناهماهنگی خود غیرقابل توضیح بود. دولت نتانیاهو با نوعی قاطعیت و اعتماد به نفس عمل کرد که قدرت و حس جدیدی را در قوم یهود دمیده است.

ibit.ly/KPmXm

سیستماتیک در هر کجا و هر زمان

- ادامه حذف رهبران حزب‌الله پس از مرگ نصرالله
- حزب‌الله که راکت شلیک می‌کرد، کودکان دروزی را می‌کشت و شمال را خالی از سکنه نگه می‌داشت، رهبران نظامی اسرائیل و اسرائیلی‌ها مدت‌هاست می‌دانستند که آن‌ها جنگجو نخواهند بود.
- سپتامبر ۲۰۲۴ زمانی که مردم ما امید

- به دام افتادن رهبران ارشد حماس در گوشه‌ای از شهر رفح
- سرکوب بی‌امان حماس
- عملیات گریم بیبر، که در آن اسرائیل هزاران نفر از عوامل حزب‌الله را در یک ثانیه مجروح یا از غیرعملاتی کرد
- مجموعه‌ای از حملات اسرائیل که در مدت ۶ ساعت خسارات بیشتری به مخفیگاه موشک‌های عظیم حزب‌الله وارد کرد
- حذف رهبران حزب‌الله به طور

مسیر اسرائیل برای پیروزی بر حزب‌الله

را جلب کند، سیاست‌ها را روشن کند و قدرت و اقتدار را تثبیت کند. در چنین شرایطی، حزب‌الله در هر سطحی با اختلال مواجه می‌شود و فرماندهان محلی، استخدام کنندگان، مربیان و دستمزدها به سرعت حذف می‌شوند. عملیات اسرائیل نشان می‌دهد که به‌طور کامل به شبکه ارتباطی حزب‌الله نفوذ کرده است و رهبران با یک انتخاب روبرو هستند؛ ارتباط برقرار کنند و نیروهای خود را سازماندهی کنند یا مخفی شوند و اجازه دهند سازمان‌های خود بدون جهت حرکت کنند.

تهدید گسترده‌تر ویرانی برای لبنان نیز ممکن است تفکر حزب‌الله را شکل دهد و ایران ممکن است نگران تشدید تنش باشد. قتل‌های هدفمند می‌تواند برای روحیه عمومی مفید باشد، اما خطر یک رویکرد بازدارنده این است که می‌تواند به‌طور فاجعه‌باری شکست بخورد. اسرائیل در نظر دارد حزب‌الله را تحقیر کند تا مانع از پاسخ آن شود و شانس خود را برای مذاکره برای آتش‌بس افزایش دهد.

https://t.ly/AA_7i



سوق دهد، همان‌طور که سابقه حزب‌الله در بمباران سفارت اسرائیل در آرژانتین و حمله به گردشگران اسرائیلی در بلغارستان نشان داد. ایران به حزب‌الله کمک خواهد کرد و کار را برای برهم‌زدن این گروه دشوارتر خواهد کرد. ترور رهبران می‌تواند قدرت گروه‌ها را کاهش دهد. حزب‌الله در خشان در پرو و حزب کارگران کردستان با دستگیری رهبران آن‌ها آسیب دیدند. از طرف دیگر یک رهبر جدید باید احترام اعضای گروه

خود از منطقه مرزی اسرائیل موافقت کند و آتش‌بس گسترده‌تری را بپذیرد که به اسرائیل امکان می‌دهد ۶۰ هزار شهروند آواره خود را به خانه‌هایشان در شمال بازگرداند. این یک تغییر پیرخطر است، زیرا حزب‌الله در مبارزه مستقیم با اسرائیل و استفاده از ترور یسم بین‌المللی برای پاسخ‌دادن به خارج از صحنه، قدرت و اراده خود را نشان داده است. ترورهای می‌تواند گروه‌ها را به سمت تشدید ترور یسم بین‌المللی

فارن پالیسی دانیل بایمن

ترور اخیر سید حسن نصرالله، رهبر حزب‌الله توسط اسرائیل بخشی از تغییر رویکرد آن نسبت به گروه شبهه‌نظامی لبنانی است. استراتژی این کشور برای بازدارندگی حزب‌الله جای خود را به بمباران بی‌امان داده است؛ با هدف اینکه این گروه را تضعیف کند و او را به صلح با شرایط اسرائیل وادار کند. اسرائیل امیدوار است که حزب‌الله با خروج جنگنده‌های

لبنان با بدترین بحران از زمان پایان جنگ داخلی مواجه است

سوریا

منطقه

آشفته لبنان و هم‌وطنانشان متکی هستند. خود حزب الله از آوارگان حمایت چندانی نکرده است.

ترور رهبر حزب الله توسط اسرائیل، کشور را شوکه کرده است، درست همان طور که ویرانی تقریباً یک شبه رهبری این جنبش، پیروان خود را حیرت زده کرده است. برای بسیاری، تسلط حزب الله بر دولت لبنان غیرقابل تغییر به نظر می‌رسید. در دودسته گذشته انتقادات شدیدی را از سراسر طیف سیاسی و فرقه‌ای به دنبال داشته است، اگرچه چنین انتقادی می‌تواند پیامدهای مرگباری داشته باشد.

کریم بیطار، استاد دانشگاه سنت جوزف بیروت، می‌گوید که بسیاری از لبنانی‌ها به شدت از حزب الله انتقاد می‌کنند، اما آن‌ها حتی با اسرائیل مخالف هستند. شوک جمعیت لبنان را دست کم نگیرید. یک نسل کامل با سیاست بیدار می‌شود و اسرائیل بدر جنگ‌های آینده را می‌کارد.

t.ly/rlsYw



حزب الله از آن محافظت می‌کرد. امروز این میدان پناهگاهی برای کسانی است که از ضاحیه گریخته‌اند، پایگاه حزب الله که در آن حسن نصرالله ترور شد و یکی از کانون‌های اصلی حملات هوایی کنونی اسرائیل است. در حالی که حامیان آن در خیابان‌ها می‌خوابند و لبنان با بزرگ‌ترین بحران آوارگی در تاریخ خود مواجه است، این حزب قدرت خود را از دست داده است. حامیان آن برای کمک به دولت موقت

ارتش اسرائیل هشدار داد که حملات بیشتری را به بیروت خواهد داد. حومه جنوبی که به عنوان سنگرهای حمایت از گروه شیعه شناخته می‌شود، در عرض چند ساعت خالی شد، زیرا مردم برای جست‌وجوی امنیت در سایر نقاط پایتخت و فراتر از آن حرکت کردند. در سال ۲۰۱۹ میدان شهدا در بیروت به مرکز یک جنبش اعتراضی مردمی علیه طبقه سیاسی فاسد لبنان تبدیل شد که

نیوزویک پری/رضوانا

میادین و سواحل عمومی بیروت مملو از افرادی است که از جنوب لبنان و حومه جنوبی شهر آواره شده‌اند. خوش‌شانس‌ها تشک و پتو برای خوابیدن دارند. هزاران خانواده شوکه شده از شب ۲۷ سپتامبر خارج شده‌اند. پس از حمله اسرائیل که منجر به کشته شدن حسن نصرالله، رهبر حزب الله شد،

پیامد ترور حسن نصرالله برای غرب آسیا چیست؟



نیوزلاین حسن/شاهینا

کشته شدن حسن نصرالله در حملات اسرائیل در روز جمعه از نظر اهمیت از اسامه بن لادن در ماه می سال ۲۰۱۱، قاسم سلیمانی، ژنرال ایرانی در ماه ژانویه سال ۲۰۲۰ و دیگر شخصیت‌های برجسته‌ای که تاریخ خشونت‌آمیز مدرن منطقه را شکل داده‌اند، پیشی می‌گیرد. با ترور نصرالله، ما شاهد سقوط شخصیتی هستیم که نفوذش فراتر از حزب الله، ایران و «محور مقاومت» است.

مطمناً سلیمانی شخصیت برجسته‌ای بود که مداخلات نظامی خارجی ایران را تنظیم می‌کرد و توازن قوای منطقه را شکل می‌داد. او در مدیریت شبکه گسترده‌ای از بازیگران دولتی و غیردولتی، به ویژه شبهه‌نظامیانی که روابط عمیقی با ایران داشتند، نقش اساسی داشت. توانایی او در استفاده از اسلام‌گرایان شیعه که در طول جنگ ایران و عراق و پس از آن به قدرت رسیده بودند، به ایران نفوذ

مهم‌تر از شهادت سلیمانی است. سلیمانی به دلیل ماشین‌آلات و تجهیزات سپاه پاسداران ایران که پشت سر او بودند، مؤثر بود. نصرالله ماشین، چهره و روح حزب الله بود. فوت او نه تنها به معنای از دست دادن یک متخصص جنگ ماهر است، بلکه به معنای تخریب کل روایت مقاومت است که منطقه را برای بیش از سه دهه پویا کرده است.

t.ly/G9kEx

بی سابقه‌ای در سطح زمین در عراق، سوریه و فراتر از آن داد. سردار سلیمانی تثبیت‌کننده نهایی بود، یک نیروی عملیاتی زیرک اما همیشه در ساختاری که دیگران ساخته بودند. نصرالله اما چیزی فراتر از یک نیرو بود. او الگو و نقشه بود. کارزمای رهبر حزب الله و توانایی او در ترکیب نقش‌های فرمانده نظامی، رهبر سیاسی و نماد فرهنگی، او را در لیگی متفاوت قرار داد. او فقط در

یک سیستم کار نمی‌کرد. او به ایجاد آن کمک کرد. نصرالله، خوب یا بد، بی همتا بود. در سال ۲۰۰۰، زمانی که اسرائیل از اکثر مناطق جنوبی لبنان عقب‌نشینی کرد، روزنامه رسمی اماراتی الاتحاد کاریکاتور منتشر کرد که پیروزی نصرالله را با هاله افسانه‌ای جنگ ماه اکتبر سال ۱۹۷۳ (جنگ یوم کبیور در اسرائیل) مقایسه می‌کرد. از این نظر، شهادت نصرالله بسیار

چگونه یک رقابت نزدیک، تر دید ایجاد می‌کند؟

جمهوری خواهان نیست. مقامات انتخاباتی و رسانه‌ها برای عدم قطعیت، کندی شمارش آرا و تاخیر در اعلام برنده آماده می‌شوند. نظرسنجی اخیر سی‌بی‌اس نیوز نشان داد که ۵۸ درصد معتقدند در صورت پیروزی ترامپ، خطر خشونت‌های پس از انتخابات در مقایسه با ۴۲ درصدی که فکر می‌کنند در صورت پیروزی هریس خطر بیشتر است، بیشتر خواهد بود. هنوز این احتمال وجود دارد که یک نامزد با اختلاف زیادی برنده شود که برای بسیاری از مردم دشوار باشد که نتیجه را تقلب یا سرکوب رای دهندگان مقصر بدانند.

<https://B2n.ir/g54288>

در انتخابات میان دوره‌ای بهتر عمل کرده است. هریس بر اساس اعداد فعلی خود نتوانست در برابر اشتباه نظرسنجی به نفع ترامپ مقاومت کند. عدم قطعیت در مورد رقابت آتی ریاست جمهوری بین دونالد ترامپ و هیلاری کلینتون، ناظران سیاسی را دیوانه کرده است. برخی استدلال می‌کنند که نتیجه رقابت «بن بست» است، در حالی که برخی دیگر معتقدند که انتخابات به نفع جمهوری خواهان نیست. با این حال، این دیدگاه جهانی نیست، زیرا گروه فعال ترقی خواهان MoveOn هشدار می‌دهد که کالج الکترال به نفع

است، اما اجماع در مورد وضعیت رقابت شکست خورده است. گالوپ فضای ملی مطلوبی را برای جمهوری خواهان پیش بینی می‌کند و تقریباً همه شاخص‌های زمینه انتخابات برای حزب جمهوری خواه مطلوب است. میانگین نظرسنجی ملی ریل کلیبر پالیسیکس در این مقاله نشان می‌دهد که هریس با ۲/۱ امتیاز پیش‌تاز است که برای کلینتون در روز انتخابات سال ۲۰۱۶ کافی نبود و در حاشیه خطا قرار داشت. ترامپ در هر یک از دو انتخابات ریاست جمهوری گذشته از نظرسنجی‌های خود و دموکرات‌ها

واشنگتن اگزامینر
دبلیو جیمز آنتل سوم

قبل از اینکه جو بایدن در ماه جولای نامزدی مجدد خود را کنار بگذارد، اتفاق نظر وجود داشت که دونالد ترامپ، رئیس جمهور سابق آمریکا در رقابت‌های کاخ سفید در سال ۲۰۲۴ پیروز شود. با این حال، نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که بایدن شانس مبارزه دارد. برخی از نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که او ۴ امتیاز برتری در سطح ملی دارد و برخی دیگر به او ۶ امتیاز می‌دهند. کامالا هریس، معاون رئیس جمهور جایگزین بایدن در صدر جدول شده

نامزدهای جمهوری خواه و سقط جنین



نیویورک تایمز
جانا تان وایزمن

جمهوری خواهان تمایلی به صحبت درباره سقط جنین که در دسرسازترین مسئله آن‌ها از زمان سرنگونی رو در مقابل وید است، ندارند. رویدادهای اخیر نشان داده است که آن‌ها باید از این موضوع دوری کنند. برنی مورنو، نامزد جمهوری خواه برای برکناری سناتور شرود براون در اوهایو، پیشنهاد کرد که حقوق سقط جنین نباید به زنان بالای ۵۰ سال مربوط شود. در پنسیلوانیا، رئیس جمهور سابق دونالد ترامپ اعلام کرد که زنان «در مورد سقط جنین فکر نمی‌کنند».

جمهوری خواهان مشتاق به مبارزات انتخاباتی در مرزهای جنوب غربی بوده‌اند که در برخی مواقع کنترل نشده به نظر می‌رسد و در اثر تورم طولانی مدت، همچنان ترامپ را ترجیح می‌دهند. با این حال، نظرسنجی‌ها نشان داده است که حزب باید از پرداختن به سقط جنین خودداری کند. در جدیدترین نظرسنجی نیویورک تایمز/ کالج سینا، ۵۴ درصد از رای دهندگان ثبت نام شده به کامالا هریس، معاون رئیس جمهور در مورد این موضوع اعتماد دارند، در مقابل ۳۹ درصدی که به ترامپ اعتماد داشتند. دموکرات‌ها از سال ۲۰۲۲، زمانی که دادگاه عالی

زیر آن‌ها از صحبت در مورد شکست سابقه جکی روزن که باعث افزایش هزینه‌های مسکن، مواد غذایی و انرژی برای خانواده‌های نوادا شده است، خودداری می‌کنند. جمهوری خواهان سعی کرده‌اند موضع ترامپ را اتخاذ کنند که تصمیمات مربوط به سقط جنین را به ایالت‌ها واگذار خواهد کرد. تیم شیپی، یک تاجر و سرباز کهنه کار، از سرنگونی سناتور جان تستر در مونتانا، سعی کرد با احترام به حق کالیفرنیا برای داشتن قوانین ملایم‌کننده سقط جنین، خط ترامپ را در پیش بگیرد. دموکرات‌ها به لحن، نه سیاست، پایبند بودند و به اظهارات براون استناد کردند که سقط جنین را یک چیز وحشتناک می‌داند و می‌خواهد همه چیز فردا پایان یابد.

<https://B2n.ir/z12664>

را به خاطر زندگی گذشته‌اش به چالش می‌کشد تا اظهارات گذشته‌اش در مخالفت با سقط جنین. براون با یک فایل ضبط شده دستگیر شد که بیان می‌کرد با قانون رای نوادا برای قانونی کردن سقط جنین تا زمان زنده ماندن جنین مخالف است. کارزار روزن به سرعت تبلیغی برای حمله منتشر کرد که براون را به عنوان یک «افراطی MAGA» در تلاش برای سلب حق سقط جنین معرفی کرد. در پاسخ، براون ویدیویی طولانی در توضیح موضع خود ساخت و اظهار کرد که رای دهندگان نوادا می‌توانند در مورد قوانین سقط جنین در ایالت تصمیم بگیرند و قول داد هرگز به قانون ملی سقط جنین رأی ندهند. دموکرات‌ها همچنان در مورد موضع عقل سلیم براون دروغ می‌گویند،

حمایت‌های قانون اساسی مندرج رو در مقابل وید را لغو کرد، عملاً در هر انتخاباتی عملکرد خوبی داشته‌اند. در رقابت‌های انتخاباتی، جمهوری خواهان مدام آن را مطرح می‌کنند و مخالفانشان استدلال می‌کنند که نسبت به زنان بی‌احترامی است، اگر نگوییم تحقیرکننده است، حتی نیکی هیلی، فرماندار سابق جمهوری خواه کارولینای جنوبی که ترامپ را برای نامزدی به چالش کشید، احساس کرد که مجبور است به اظهارات مورنو بپردازد و در شبکه‌های اجتماعی این سوال را مطرح کرد: «آیا در تلاش برای شکست در انتخابات هستید؟» سام براون، یک کهنه سرباز جنگی که در افغانستان مجروح شده است، سناتور جکی روزن، رئیس دموکرات‌ها در نوادا

فرسایش هژمونی آمریکا و تعریف مجدد دیپلماسی



مدرن دیپلماسی عایشه ارشد

دوره پس از جنگ جهانی دوم دوره‌ای از نهادینه شدن و تغییرات قابل توجه در دیپلماسی جهانی را به نمایش گذاشت که توسط قدرت برجسته جهانی یعنی آمریکا شکل گرفت. دوره پس از جنگ صحنه‌ای را برای «قرن آمریکایی» ایجاد کرد که در آن آمریکا نه تنها به برنامه‌های سیاسی و اقتصادی جهانی کمک کرد، بلکه بر حفظ اتحاد‌های خود تمرکز کرد که موقعیت هژمونیک خود را تقویت کند، اما با این حال، دهه‌های اخیر با افزایش چندقطبی، تغییر تدریجی در موقعیت هژمونیک آمریکا شکل گرفته است. ظهور مراکز قدرت جدید مانند چین و روسیه در کنار نفوذ روزافزون دیپلماتیک و اقتصادی سازمان‌های منطقه‌ای مانند اتحادیه اروپا (EU) نشان‌دهنده تغییر به سمت دنیایی چندقطبی است. این تغییر در جنگ تجاری آمریکا و چین، احیای مجدد دیپلماسی روسیه در غرب آسیا و نقش اتحادیه اروپا در حکومت جهانی نیز مشهود است.

به‌طور معمول، آمریکا در نهادهای جهانی مانند سازمان ملل متحد (UN)، صندوق بین‌المللی پول (IMF) و سازمان تجارت جهانی (WTO) نفوذ داشته است. این نفوذ از نظر اقتصادی و سیاسی با احیای مجدد روسیه به‌عنوان یک بازیگر نظامی و ژئوپلیتیکی و با ظهور چین در مرکز اقتصادی به چالش کشیده شده است. آمریکا با تهدیدات قابل توجهی از سوی این بازیگران مواجه است و تقریباً در هر پلتفرم جهانی در رقابت است، این موضوع به این ایده منجر می‌شود که اکنون قدرت جهانی دیگر منحصرأ متعلق به واشنگتن نیست. چین با هدف پیشی گرفتن از آمریکا و تبدیل شدن به یک قدرت اقتصادی تا سال ۲۰۳۰ در کنار روسیه که از نظر سیاسی خود را به‌عنوان بازیگر اصلی درگیری‌های غرب آسیا مطرح می‌کند و نفوذ آمریکا را در مناطقی که زمانی خودمختاری داشت به چالش می‌کشد، رشد اقتصادی سریعی دارد. در چند دهه گذشته چرخش دگرگونی

دیپلماسی جهانی است. اتحادیه اروپا سیاست‌های آمریکا را به چالش کشیده و از طریق توافق نامه‌های تجاری بر نفوذ خود تاکید کرده است. همچنین یک بلوک اقتصادی با کشورهایمانند ژاپن و کانادا ایجاد کرده است که مسیرهای تجاری جایگزینی را فراهم می‌کند. قدرت‌های میانی مانند کانادا، استرالیا و ژاپن نقش برجسته‌ای در دیپلماسی جهانی ایفا می‌کنند و به‌عنوان میانجی و پل‌ساز درگیری‌های بین‌المللی عمل می‌کنند.

با تغییر نظم جهانی از یکجانبه‌گرایی به چندجانبه‌گرایی، دیپلماسی جهانی نیز تغییر می‌کند. با کاهش هژمونی آمریکا، بقیه مراکز قدرت با استراتژی‌ها و اهداف دیپلماتیک منحصر به فرد ظهور می‌کنند. ظهور چین، تجدید حیات روسیه و اهمیت تداوم اتحادیه اروپا در حال تغییر شکل دادن به اتحاد‌های جهانی و به چالش کشیدن پویایی قدرت آمریکا است. این پویایی پیچیده و به هم پیوسته جهانی نیازمند دیپلماسی خاصی برای تکامل و رسیدگی به چالش‌های چندقطبی شدن جهان است.

آینده دیپلماسی جهانی نامشخص است، اما یک چیز مسلم این است که نظم جهانی یکجانبه ایجاد شده توسط آمریکا جای خود را به عصر جدیدی از چندقطبی داده است.

<https://tinyurl.com/25adttyp>

کشورها برخلاف آمریکا است که رویکرد مداخله‌جویانه‌تری دارد. از سوی دیگر، روسیه قرار است با استفاده از تاکتیک‌های نظامی و دیپلماتیک خود را به‌عنوان یک قدرت بزرگ جهانی تحت ریاست جمهوری ولادimir پوتین معرفی کند. شکی نیست که شرایط اقتصادی و قدرت نظامی روسیه هم از چین و هم از آمریکا کمتر است، اما تمایل روسیه به استفاده از قدرت سخت، این کشور را به یک بازیگر کلیدی در سیاست جهانی به‌ویژه در مناطقی که نفوذ آمریکا کاهش یافته است، یعنی غرب آسیا تبدیل کرده است. روسیه آماده است تا با انجام اقداماتی مانند الحاق کریمه و مداخله نظامی در سوریه، نظم جهانی تحت رهبری آمریکا را به چالش بکشد. روسیه همچنین از دیپلماسی انرژی در کنترل خود بر عرضه گاز در اروپا استفاده می‌کند که اهرم فشاری را بر اتحاد‌های کلیدی آمریکا در منطقه اروپای شرقی برای آن فراهم کرده است. روسیه علاوه بر نقش خود در سوریه، روابط خود را با دیگر بازیگران کلیدی در غرب آسیا از جمله ایران، ترکیه و عربستان تقویت کرده است. روسیه با قرار گرفتن خود به‌عنوان میانجی در درگیری‌های منطقه‌ای و ارائه حمایت نظامی و اقتصادی، توانسته است نفوذ خود را در منطقه‌ای که به‌طور معمول تحت سلطه دیپلماسی آمریکا است، گسترش دهد.

اتحادیه اروپا (EU) یک بازیگر کلیدی در

در اقتصاد چین ایجاد شده است که به آن دسترسی به بازارهای جهانی داده و آن را به یک قدرت بزرگ جهانی تبدیل کرده است. چین میلیاردها دلار در پروژه‌های زیرساختی مانند ابتکار کمربند و جاده (BRI) سرمایه‌گذاری کرده است. از طریق سرمایه‌گذاری زیرساختی در مناطقی مانند آفریقا، آسیا و اروپا، به دنبال گسترش نفوذ خود در بازارهای جهانی است. پروژه کمربند و جاده توسط چین که اغلب به‌عنوان معادل مدرن جاده ابریشم شناخته می‌شود، ایجاد شبکه‌ای از مسیرهای تجاری در بیش از ۱۴۰ کشور جهان است، نه تنها یک ابزار اقتصادی، بلکه یک ابزار دیپلماتیک برای به حداکثر رساندن قدرت آن است. چین طرح کمربند و جاده را به‌عنوان یک مدل برد-برد برای توسعه جهانی قرار داده است که از طریق آن قصد دارد روابط دوجانبه خود را تقویت کند و دسترسی خود را به بازارهای جهانی تضمین کند. علاوه بر رشد اقتصادی، چین همچنین مشارکت خود را در نهادهای جهانی با هدف تغییر شکل سیستم حکمرانی جهانی برای تحقق منافع خود افزایش داده است. چین عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل است و دارای حق وتو است که به‌طور استراتژیک از آن استفاده می‌کند و در عین حال اصل خود را ترویج می‌کند. این موضوع شامل عدم مداخله در امور سیاسی داخلی سایر

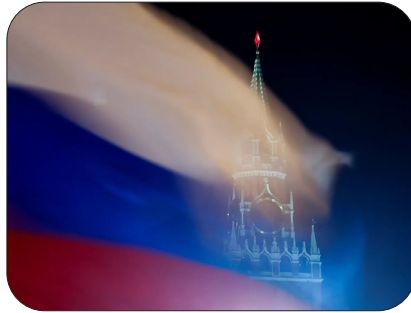
دروغ‌هایی که روسیه می‌گوید

روسیه مانند افشای ایمیل‌های شخصی جان پودستا، رئیس ستاد انتخاباتی هیلاری کلینتون به ویکی‌لیکس در سال ۲۰۱۶، کاملاً معتبر هستند. پایان همه‌نشدت‌ها یکسان ایجاد نمی‌شوند. پس از بررسی دقیق اسناد تازه منتشر شده، بازرسان ضد جاسوسی اف‌بی‌آی امروز، روزنامه‌نگاران اروپایی که پرونده‌ها را بررسی کردند و من، همگی موافقم که این اسناد معتبر هستند.

اسناد همچنین نشان می‌دهد که آژانس توسعه فضایی نه تنها اهداف خود، بلکه خود را نیز فریب داده است. مورخان تدابیر فعالانه فهرست‌بندی کرده‌اند که چگونه اتحاد جماهیر شوروی از اصطکاک‌ها، درگیری‌ها و تضادهای موجود در جوامعی که آن‌ها را هدف قرار می‌دادند، استفاده می‌کرد و آژانس توسعه فضایی نیز در پی انجام همین کار با «همزاد» بود. اسناد جدید افشا شده نشان می‌دهد که آژانس توسعه فضایی تلاش‌های نفوذ خود را با بررسی چشم‌انداز نقاط اصطکاک بنیادی و ناامیدی‌های واقعی در جوامع هدف خود آغاز می‌کند.

بنابراین، اسناد یک سؤال مهم را مطرح می‌کنند: چه زمانی افشاگری علیه دشمنان کار می‌کند و چه زمانی برای آن‌ها مفید است؟ چه زمانی نور خورشید بهترین ضد عفونی‌کننده است و چه زمانی به رشد علف‌های هرز کمک می‌کند؟

t.ly/pDEV-



فرانکفورتر آگماینه زایتونگ، اشپیگل، بیلت و همچنین «دیلی میل» انگلیس و «۲۰ دقیقه» فرانسه را کشف کرده‌اند. این سایت‌ها دارای یوآرال‌های (مکان‌یاب منبع یکسان) فریبنده‌ای مانند [www-dailymail-co-uk.dailymail.top] بودند.

اسناد فاش شده جدید نشان می‌دهد که بین اواسط ماه می تا اواسط جولای سال ۲۰۲۲، آژانس توسعه فضایی، برای مثال، ۳ هزار و ۱۶۱ نظر در رسانه‌های اجتماعی که جعلیات بیلت خود را تبلیغ می‌کردند و ۳ هزار و ۲۷۷ پیوند به جعلی‌های دیلی میل خود را منتشر کرد.

تمام فایل‌های لو رفته باید با احتیاط مورد بررسی قرار گیرند. هر زمان که فایل‌های دزدیده شده یا هک شده فاش می‌شوند، حداقل تعداد کمی از اسناد ممکن است جعلی باشند، اگرچه دیگر افشاگری‌های اخیر مهندسی شده توسط

فازن افروز توماس رید

در اوایل ماه سپتامبر، پروژه بدنام دروغ‌پراکنی روسی معروف به همزاد دوباره خبرها را منتشر کرد. همزاد، طرحی برای انتشار مقالات جعلی، ویدئوها و نظرسنجی‌ها در مورد مسائل سیاسی و فرهنگی قطبی در آمریکا و همچنین در فرانسه، آلمان و اوکراین، اولین بار در سال ۲۰۲۲ افشا شد و به‌طور گسترده در مطبوعات غربی پوشش داده شد. این پروژه کل وبسایت‌های سازمان‌های خبری را با لوگوها و خطوط جانبی روزنامه‌نگاران واقعی شبیه‌سازی کرد و داستان‌ها، میم‌ها و کارتون‌های جعلی خود را کار گذاشت و کاربران عادی اینترنت را از طریق پست‌های رسانه‌های اجتماعی، اغلب خودکار، به سایت‌ها کشاند.

کار فریبکاری «آژانس توسعه فضایی» [SDA] برای اولین بار در سال ۲۰۲۲ ظاهر شد، احتمالاً بلافاصله پس از اینکه «همزاد» شروع به پیشرفت کرد. در ماه آوریل همان سال، متا، شرکت مادر فیس‌بوک و اینستاگرام، در گزارشی سه ماهه فاش کرد که «شبکه‌ای متشکل از ۲۰۰ حساب کاربری که از روسیه کار می‌کردند» را از پلتفرم‌های خود حذف کرده است. تا ماه آگوست سال ۲۰۲۲، روزنامه‌نگاران تحقیقی آلمانی فاش کردند که جعلیات حدود ۳۰ سایت خبری، از جمله بسیاری از بزرگ‌ترین رسانه‌های کشور از جمله

سایر خبرها

تایمز اسرائیل

حملات در راستای حق اسرائیل برای دفاع از شهروندان است

سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید به نشریه «تایمز اسرائیل» گفت که حملات محدودی که ارتش رژیم صهیونیستی علیه پست‌های حزب‌الله در سمت لبنانی خط آبی انجام داد، «در راستای حق اسرائیل برای دفاع از شهروندانش و بازگرداندن امن غیرنظامیان به خانه‌هایشان است».

سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا گفت: «ما از حق اسرائیل برای دفاع از خود در برابر حزب‌الله و همه گروه‌های تروریستی مورد حمایت حکومت ایران حمایت می‌کنیم». این سخنگو با اشاره به نگرانی آمریکا مبنی بر اینکه اسرائیل در لبنان گرفتار شود یا مجبور به گسترش عملیات خود در لبنان گردد، تاکید کرد که از نگرانی‌ها در ریسک اجرای این عملیات آگاه است و به گفت‌وگو با اسرائیلی‌ها در این موارد ادامه خواهد داد.

در این بیانیه با تاکید بر اینکه به نظر آمریکا عملیات نظامی به تنهایی قادر به تحقق ثبات و امنیت در منطقه نیست، آمده است: «در نهایت، یک قطعنامه دیپلماتیک تنها راه دستیابی به ثبات و امنیت پایدار در سراسر مرز اسرائیل و لبنان است».

ibit.ly/9-PNE

صدای آمریکا

رهبر کشته‌شده حماس در لبنان کارمند «اونروا» بود

به‌دنبال انتشار گزارش‌هایی مبنی بر کار کردن فتح الشریف، رهبر کشته‌شده حماس در لبنان در «اونروا»، یک سخنگوی سازمان ملل متحد در پاسخ به صدای آمریکا تایید کرد که او کارمند این نهاد بود، اما در مرخصی بدون حقوق به سر می‌برد. این سخنگوی سازمان ملل متحد روز دوشنبه ۹ مهر به صدای آمریکا گفت که فتح الشریف، کارمند «اونروا» (سازمان امدادسانی و کاربایی برای آوارگان فلسطینی در خاور نزدیک) بود که از ماه مارس (اسفند گذشته) پس از آن که اونروا ادعاهایی را در مورد فعالیت‌های سیاسی او دریافت کرد، به مرخصی اداری بدون حقوق فرستاده شده بود.

در پاسخ این سخنگوی سازمان ملل تصریح شده است، برخلاف برخی گزارش‌ها، فتح الشریف کارش را از سر نگرفته بود.

پیش‌تر، حساب رسمی اینستاگرام دولت اسرائیل با انتشار پستی فتح الشریف، رهبر حماس در لبنان را «یک تروریست، مدیر و رئیس انجمن معلمان اونروا در این کشور» معرفی کرده بود.

ibit.ly/FdToc

واکنش‌های متضاد در جهان عرب به کشته شدن نصرالله

رویترا

کشته شدن رهبر حزب الله از سوی اسرائیل با سکوت بسیاری از کشورهای در منطقه مواجه شده، که نشان دهنده شکاف بین جمعیت‌های خشمگین از اسرائیل و مقاماتی است که روابط خود را با دولت یهود عادی کرده‌اند یا با حکومت ایران، حامی حزب الله، مخالف هستند.

به گزارش خبرگزاری رویترز، حسن نصرالله که به مدت ۳۲ سال رهبری گروه شبهه‌نظامی قدرتمند حزب الله در لبنان را بر عهده داشت، دشمنان منطقه‌ای فراتر از اسرائیل و غرب برای خود ساخت.

کشورهای حوزه خلیج فارس و اتحادیه عرب به‌طور گسترده‌تر، گروه او را در سال ۲۰۱۶ به‌عنوان «سازمانی تروریستی» معرفی کردند؛ اگرچه اتحادیه عرب اوایل سال جاری میلادی این نامگذاری را پس گرفت. دولت عربستان عصر یکشنبه در بیانیه‌ای اعلام کرد که تحولات لبنان را با نگرانی جدی دنبال می‌کند و بر حفظ حاکمیت و امنیت منطقه‌ای لبنان تاکید کرد، اما هیچ اشاره‌ای به نصرالله نکرد.

قطر، امارات و بحرین در مورد کشته شدن نصرالله کاملاً سکوت کرده‌اند. امارات و بحرین در سال ۲۰۲۰ روابط خود را با اسرائیل عادی کردند و بحرین در سال ۲۰۱۱ شورش قابل توجه دموکراسی خواهی جامعه شیعه خود را سرکوب کرد.

با این حال، تلویزیون بحرینی حامی حکومت ایران، اللؤلؤه، ویدئوهایی را پخش کرد که نشان می‌دهد راهپیمایی‌هایی با ابعاد به نسبت متوسطی در سوگ نصرالله برگزار می‌شود. این کانال گفت حکومت بحرین به تظاهرات کنندگان «حمله» و برخی را بازداشت کرد.

وبسایت اپوزیسیون بحرین، «بحرین می‌رور»، گزارش داده که حکومت بحرین یک روحانی شیعه را به دلیل ابراز همدردی با حسن نصرالله بازداشت کرده است. رویترز نتوانست گزارش رسانه‌های بحرینی را تأیید کند.

بر اساس بیانیه دفتر ریاست جمهوری مصر، عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور

لبنان کشور با نجیب میقاتی، نخست‌وزیر لبنان، تلفنی گفت‌وگو کرد و اظهار داشت قاهره هرگونه نقض حاکمیت لبنان را رد می‌کند. در این بیانیه نامی از نصرالله برده نشد.

مصر در گذشته از جمهوری اسلامی ایران و گروه‌های نیابتی آن انتقاد کرده است؛ اگرچه تماس‌های غیررسمی با دولت جمهوری اسلامی داشته و وزیر امور خارجه مصر نیز پیشتر با مقامات ایرانی دیدارهای رسمی داشته است.

شیخ احمد بن حمد الخلیلی، مفتی اعظم کشور عمان، در مطلبی در شبکه اجتماعی ایکس گفت که کشورش از درگذشت دبیرکل حزب الله «پس از اینکه خاری در گلوی پروژه صهیونیستی برای بیش از سه دهه بود، ناراحت است».

عمر الجمال، روزنامه‌نگار مقیم عراق در ایکس نوشت: «قربانیان نصرالله در سوریه صدها هزار نفر هستند، آیا او مستحق رحمت مسلمانان است؟».

روزنامه‌نگار مستقر در امارات، سیف الدرعی، در ایکس ویدئویی را به

اشتراک گذاشت که به گفته او «شادی» ساکنان استان ادلب سوریه پس از خبر کشته شدن نصرالله را به تصویر می‌کشد.

او گفت: «حزب الله کاری کرد که یهودیان علیه برادران مادر سوریه انجام ندادند».

عبداللطیف آل‌الشیخ، شاعر عربستانی در ایکس نوشت: «نگاه پیروزمندان صرفاً [نمایش] خصومت از روی تصادف نیست، بلکه واکنشی طبیعی به مجموعه‌ای از سیاست‌ها و اقدامات کثیف است که نارضایتی گسترده‌ای را برانگیخته است».

یک مجری تلویزیون مصری به نام لمیس الحدیدی، در شبکه ایکس گفت: «شادی و نگاه پیروزمندان [به کشته شدن نصرالله] اکنون ارائه پیروزی به دشمن، تکه تکه کردن ملت (عرب) و خیانت به مردم لبنان و غزه است».

او گفت: «اختلافات خود را کنار بگذارید و ایران را فراموش کنید، زیرا یک کشور عربی وجود دارد که هر ساعت بمباران می‌شود».

ibit.ly/WpB0

آمریکا قدرت هوایی خود را در غرب آسیا افزایش می‌دهد

آسوشیتدپرس

آمریکا در حال اعزام «چند هزار» نیروی اضافی به منطقه غرب آسیا است تا امنیت را تقویت کرده و در صورت لزوم از اسرائیل دفاع کند. پنتاگون روز دوشنبه اعلام کرد که واشنگتن در راستای افزایش امنیت و دفاع از رژیم صهیونیستی در صورت لزوم، «چند هزار» نیرو و تجهیزات اضافی به غرب آسیا ارسال خواهد کرد.

سخنگوی پنتاگون، سابرینا سینگ، به خبرنگاران گفت این افزایش حضور شامل اعزام چندین اسکادران جت جنگنده خواهد بود. وی گفت: «تقویت نیروهای ما به منظور بازداشتن از اقدامات تهاجمی و کاهش خطرات جنگ منطقه‌ای گسترده‌تر است».

سینگ عنوان کرد که این جت‌ها برای کمک به تخلیه منطقه نیستند، بلکه «برای حفاظت از نیروهای آمریکایی»



در آنجا حضور دارند. این تصمیم پس از حملات اخیر اسرائیل در لبنان و کشتن حسن نصرالله، رهبر حزب الله، گروه مسلح مورد حمایت جمهوری اسلامی، گرفته شده است.

کشتن نصرالله، فرد نزدیک به [آیت الله] خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، تشدید قابل توجه جنگ در منطقه غرب آسیا به شمار می‌رود. نیروهای اضافی آمریکایی شامل اسکادران‌های جت‌های جنگی (ای-۱۰)، جنگنده‌های اف-۱۵ و

اف-۱۶ و همچنین اف-۲۲ و نیروهای لازم برای پشتیبانی از آن‌هاست. این جنگنده‌ها قرار بود جایگزین اسکادران‌هایی شوند که از پیش در آنجا حضور داشتند. در عوض، هر دو اسکادران موجود و جدید در محل خواهند ماند تا قدرت هوایی آمریکا را دو برابر کنند.

سخنگوی پنتاگون در ادامه مدعی شد که آمریکا در حملات رژیم صهیونیستی علیه یمن دخیل نبوده و تنها پیش از عملیات از آن مطلع شده است.

سینگ در ادامه ادعا کرد: «ما تهدیدات ایران را جدی می‌گیریم و همین مسئله باعث شده نیروهای خود را برای محافظت از خود و اسرائیل تقویت کنیم. نمی‌توان تلاش ایران یا گروه‌های نیابتی برای اتخاذ گام‌های تنش‌زای بیشتر را نادیده گرفت».

ibit.ly/PqC-C

مسیرهای مناقشه قفقاز جنوبی



منوهر پر بکار (IDSA) دیبیکا ساراسوات |

الهام علی اف در سال ۲۰۰۳ جانشین پدرش به‌عنوان رئیس‌جمهور آذربایجان شد و از سرمایه‌های بادآورده انرژی کشورش برای ایجاد یک مشارکت رو به رشد انرژی و امنیتی با ترکیه و اسرائیل استفاده کرد. پهنادهای ساخت ترکیه و اسرائیل نقش مهمی در موفقیت نظامی باکو در جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ ایفا کردند و بعد از آن با میانجیگری روسیه قرارداد صلحی امضا شد.

از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، مسکو از نقش حافظ صلح و حمایت از نهاد‌های جدایی طلب مانند قره‌باغ، آبخازیا و اوستیای جنوبی در گرجستان به‌عنوان «اهرم‌های سرزمینی» برای حفظ نفوذ میراثی خود در قفقاز استفاده کرده است. توافقنامه آتش‌بس سه‌جانبه نوامبر ۲۰۲۰ شامل مقرراتی بود که «کلیه ارتباطات اقتصادی و حمل‌ونقلی در منطقه، از جمله راه‌های ارتباطی بین «مناطق غربی جمهوری آذربایجان و نخجوان» رفع خواهد شد.

با این حال، آذربایجان با حمایت ترکیه، ادعاهای ارضی جدیدی را بر روی مناطق مرزی ارمنستان در مرزهای بین‌المللی به بهانه گشودن کریدور زنگزور مطرح کرد. در دوره کوتاه پس از فروپاشی امپراتوری‌های عثمانی و روسیه، جمهوری‌های اول ارمنستان و آذربایجان ادعاهای رقابتی داشتند و در سه ناحیه قره‌باغ کوهستانی، زنگزور و نخجوان درگیر بودند.

ترکیه از کریدور زنگزور برای تحقق بخشیدن به دیدگاه خود از یک کریدور تجاری و ترانزیتی بدون مانع که از ترکیه تا ترکستان چین (که رسماً سین شیانگ نامیده می‌شود) امتداد دارد، حمایت کرده است. این امر به پروژه پان‌ترکیستی خود با محوریت آسیای میانه رونق می‌بخشد. در پی جنگ روسیه و اوکراین، مسکو مواضع سازگارانه‌تری نسبت به ترکیه و آذربایجان اتخاذ کرده است. در سپتامبر ۲۰۲۲، ارتش آذربایجان ۲۳ نقطه راه‌هدف قرار داده و چندین ارتفاع استراتژیک را در استان سیونیک در جنوب ارمنستان به تصرف خود درآورد و روسیه نیز اقدامی برای جلوگیری از آذربایجان انجام نداد. پس از آنکه درخواست پاشینیان از سازمان

مرزهای شمالی خود را درگیر نکند. ایران و ارمنستان در حال کار بر روی یک چارچوب ۳+۳ برای رسیدگی به اتصالات منطقه‌ای در قفقاز از جمله آذربایجان، ارمنستان و گرجستان و همسایگان آن‌ها، روسیه، ایران و ترکیه هستند. هدف پلتفرم ۳+۳ جلوگیری از تبدیل شدن قفقاز جنوبی به میدان جنگ برای رقابت قدرت‌های بزرگ با کشورهای ناتو است. ایران همچنین به‌دنبال مشارکت هند در کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال-جنوب (INSTC) و کریدور ترانزیت و حمل و نقل خلیج فارس-دریای سیاه است.

نقش رو به رشد هند در منطقه قفقاز جنوبی تحت تأثیر تقویت همکاری‌های سه‌جانبه بین ترکیه، پاکستان و آذربایجان است که عاملی کلیدی در ادعاهای ارضی آن‌ها بوده است. این منجر به یک استراتژی متعادل سازی نرم برای جلوگیری از رویارویی مستقیم با بازیگران منطقه‌ای شده است. هند به یک مدافع قوی برای پارادایم اتصالات با احترام به تمامیت ارضی و حاکمیت آنان تبدیل شده است. روابط دوستانه هند با روسیه، ایران و سایر کشورهای غربی، موقعیت منحصر به فردی را برای ایجاد شراکت‌هایی ایجاد می‌کند که به شکل‌گیری نظم منطقه‌ای متعادل در قفقاز جنوبی کمک می‌کند.

<https://tinyurl.com/25yndfqy>

قابل توجه است که باکو ابتکار جایگزین «تقاطع صلح» را که توسط پاشینیان در سخنرانی در پارلمان اروپا در اکتبر ۲۰۲۳ بیان شده بود، رد کرده است. پاشینیان، در سخنرانی خود در کنفرانس بین‌المللی جاده ابریشم در تفلیس در نوامبر ۲۰۲۳، «تقاطع صلح» را مطرح کرد. این ایده خواهان «باز کردن کلیه ارتباطات منطقه‌ای تحت حاکمیت طرف‌های مربوطه» است. هدف از این پروژه تقویت ارتباطات بین ارمنستان، ترکیه، آذربایجان و ایران از طریق توسعه زیرساخت‌ها از جمله جاده، راه آهن، خطوط لوله، کابل و خطوط برق است. در تهران، حمایت روسیه از کریدور زنگزور، بحث‌های جدیدی را در مورد قابلیت اطمینان به روسیه به‌عنوان یک شریک استراتژیک به‌راه انداخت. مقامات ایرانی بارها هشدار داده‌اند که کریدوری که ۴۴ کیلومتری ایران با ارمنستان را تهدید می‌کند، «خط قرمز» ایران است. ارمنستان سنگر راهبردی است که ترکیه را از قفقاز ترک زبان و آسیای میانه جدا می‌کند. کریدور زنگزور نقش ترانزیتی ایران در منطقه را به میزان قابل توجهی محدود می‌کند و موازنه قدرت منطقه‌ای را به نفع آذربایجان و ترکیه متمایل می‌کند. همانطور که ایران تلاش می‌کند غفلت استراتژیک خود از قفقاز جنوبی را اصلاح کند، همچنین مراقب است که

پیمان امنیت جمعی برای برداشتن گام‌های دسته‌جمعی مؤثر برای تضمین امنیت آن نتیجه‌ای نداشت، ایران راه را برای استقرار یک مأموریت نظارتی اتحادیه اروپا در سمت ارمنی مرز بین‌المللی با آذربایجان هموار کرد. در ماه جولای ۲۰۲۴، علی‌اف همچنین یک توافقنامه مشارکت استراتژیک با چین امضا کرد. هر دو به دنبال ارتقای نقش مسیر حمل‌ونقل بین‌المللی ترانس خزر هستند که «کریدور میانی» نیز نامیده می‌شود. این به نوبه خود، ارمنستان را که خود را تهدیدآموزی قفقاز جنوبی می‌داند، به شریکی مهم برای کشورهای اروپایی، به‌ویژه فرانسه و آمریکا تبدیل کرده است.

نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان که زیر بار شکست نظامی و فضای نامطلوب ژئوپلیتیک منطقه‌ای به سر می‌برد، سرمایه سیاسی خود را برای دستیابی به یک راه‌حل صلح‌جامع با آذربایجان، با تکیه بر رسمیت شناختن متقابل تمامیت ارضی و تحدید حدود ۱ هزار کیلومتری مرز با آذربایجان، به خطر انداخته است. اوج‌تری روند تغییر قانون اساسی را آغاز کرده و رسماً آن تمام ادعاهای مربوط به قره‌باغ چشم‌پوشی کرده است، اما با این حال، تفسیر آذربایجان از کریدور زنگزور که خواستار امتیازات فراسرزمینی از نظر عدم کنترل گمرکی و کنترل آن توسط نیروهای مرزی روسیه است، برای ارمنستان غیرقابل قبول است.

مقابله آمریکا با آسیب‌پذیری نظامی در اقیانوس آرام

وال استریت ژورنال مایک چرنی |

در منطقه دورافتاده استرالیا، تفنگداران دریایی آمریکای تدارکات را از دو هواپیمای تیلت روتور Osprey حمل و یک پمپ بنزین قابل حمل در نزدیکی خطوط مقدم راه‌اندازی کردند تا به هواپیماها اجازه سوخت‌گیری و تسلیح مجدد بدون بازگشت به پایگاه‌های بزرگ‌تر در عقب را بدهد. ارتش استراتژی خود را تغییر می‌دهد و ردپای خود را در اقیانوس آرام گسترش می‌دهد تا پکن را از اقدام نظامی برای تصرف تایوان و آماده شدن برای جنگ در صورت نیاز باز دارد. یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که ارتش با آن مواجه است، چگونگی رساندن سوخت، مهمات و سایر تجهیزات به واحدهای خط مقدم در جزایر دورافتاده یا خطوط دریایی دور از پایگاه‌های اصلی آمریکا و محافظت از خطوط تدارکاتی در برابر حمله چین است.

چالش لجستیکی به ویژه در اقیانوس آرام حاد است، جایی که پکن روی هواپیماها، کشتی‌ها، زیردریایی‌ها و موشک‌های دقیق دوربرد سرمایه‌گذاری کرده است که می‌توانند به پایگاه‌ها، باند فرودگاه‌ها و کاروان‌های آمریکا حمله کنند. قابلیت‌های سایبری چین نیز یک تهدید است. همه این‌ها در تضاد با درگیری‌های قبلی در افغانستان و عراق است، جایی که تحلیلگران می‌گویند که آمریکا می‌تواند اساساً بدون مناقشه نیروهای خود را مستقر و تأمین کند.

جغرافیای جزیره اقیانوس آرام به این معنی است که آمریکا باید واحدها و تجهیزات خط مقدم را از طریق دریا یا هوا جابجا کند. برنامه‌های آمریکا برای گسترش نیروهای خود در گروه‌های کوچک و متحرک، آن‌ها را برای ضربه زدن به چین دشوارتر می‌کند، اما همچنین به چالش حفظ نیروها در یک منطقه وسیع می‌افزاید. برخی از نمایندگان مجلس زنگ خطر را به صدا در می‌آورند. لایحه‌ای که توسط سناتورهای مارک کلی و میت رامنی ارائه شد، پنتاگون را



با استفاده از کشتی‌ها، لنج‌ها و سایر سکوها شناور متحرک ذخیره شود. پرتاب‌های هوایی دقیق و وسایل نقلیه بدون سرنشین می‌توانند تجهیزات را بدون به خطر انداختن جان سربازان زیر آتش تحویل دهند و تفنگداران دریایی مستقر در مکان‌های سخت می‌توانند بیشتر برای تولید منابع خود، شاید با استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر، سیستم‌های تبدیل زیاده به انرژی یا واحدهای تصفیه آب قابل حمل، انجام دهند.

او گفت که در یک مقطع، این سرویس به دنبال کاهش اندازه واحدهایی بود که از فرودگاه‌های اعزامی و نقاط سوخت‌گیری پشتیبانی می‌کنند. آنجل گفت: «تحرک و مانور در یک محیط دریایی، این بزرگترین چالش برای ما است.»

در تمرینات استرالیا همه چیز به آرامی پیش رفت. یک ماه بر فراز جایگاه‌های خالی سوخت پرواز کرد و خطر بلند شدن آن‌ها را به هوا ایجاد کرد. در یک نقطه، به دلیل مشکل در سوپاپ، سوخت از محل سوخت‌گیری خارج شد. اما به زودی به مسائل رسیدگی شد.

می‌دهد تا سریعاً دوباره تأمین شود. کار بیشتری باید انجام شود. یک طرح لجستیکی ۲۰۳۰ که تفنگداران دریایی در سال گذشته منتشر کردند، می‌گوید که قابلیت‌های لجستیکی این سرویس «کمترین منابع است و خواسته‌های نیروی آینده ما برای موفقیت در میدان‌های نبرد آینده را برآورده نمی‌کند.» عملیات به صورت کامل توزیع شده و بار لجستیکی را افزایش می‌دهد، زیرا نیروهایی که اغلب تلاش می‌کنند حرکت کنند تا هدف قرار دادن آن‌ها برای چینی‌ها دشوارتر شود، تدارکات مورد نیاز در یک مکان می‌تواند به‌طور قابل توجهی بر اساس حرکات بالقوه غیرقابل پیش‌بینی که در پاسخ به حملات چین تغییر می‌کند متفاوت باشد. سرهنگ آرون آنجل، رهبر توسعه قابلیت‌ها و مفاهیم لجستیک در تفنگداران دریایی، گفت که پیشرفت مستمری وجود دارد. او گفت که تفنگداران دریایی در حال برنامه‌ریزی برای ایجاد یک سایت پیش فرض جدید در فیلیپین در اواخر امسال هستند.

او گفت که به‌طور کلی، منابع بیشتری در منطقه می‌تواند در خشکی و دریا

ملزم می‌کند تا گزارشی در مورد قابلیت‌های لجستیکی در هند و اقیانوس آرام تهیه و منابع اضافی مورد نیاز را شناسایی کند. مقامات نظامی آمریکا می‌گویند که در حال انجام اقدامات هستند. آمریکا به دنبال دسترسی به پایگاه‌های بیشتری است، می‌خواهد منابع را در مکان‌های کلیدی اضافه کند و قصد دارد برای تعمیر تجهیزات نزدیک‌تر با متحدان همکاری کند. فرودگاه‌های سراسر منطقه در حال ارتقا هستند. سال گذشته، واشنگتن به چهار پایگاه دیگر در فیلیپین دسترسی پیدا کرد. لجستیک در هر مرکز عملیاتی فرماندهی هند و اقیانوسیه آمریکا است که در حال سازماندهی مجدد است تا برای جنگ جزیره‌ای مناسب‌تر باشد. بخشی از طرح جنگی این است که تیم‌های کوچک، متحرک و غیرقابل شناسایی از جزیره‌ای به جزیره دیگر حرکت کنند، جایی که سربازان می‌توانند از راکت، هواپیما و سایر سلاح‌ها برای استفاده دشمن از آبراه‌های اصلی اطراف استفاده کنند. برخی از مکان‌ها می‌توانند میزبان نقاط سوخت‌گیری و تسلیح مجدد قابل حمل باشند که به هواپیماها اجازه

الجزیره / الکس گاتاپولوس

ارتش روسیه به اندازه کافی برای مقابله با ناتو پیشرفت کرده است؟



جنگ در اوکراین احتمال درگیری در آینده بین روسیه و ناتو را تسکین داده است.

از زمان جنگ سرد، تنش‌ها تا این حد بالا نبوده است. روسیه عمیقاً درگیر جنگی است که هیچ نشانه‌ای از کاهش یا توقف در آن دیده نمی‌شود.

روسیه از شروع فاجعه بار خود تا تهاجم پیشرفت کرده است؛ اما آیا آن قدر پیشرفت کرده است که بتواند بزرگ‌ترین اتحاد نظامی تاریخ را به عهده بگیرد؟

نیروی زمینی روسیه در نتیجه جنگ در اوکراین شاهد گسترش سریعی بوده است.

کیفیت همگام نبوده است، زیرا تعداد زیاد تر آموزش ضعیف و کمبود عظیم

تجهیزات را جبران نکرده است. برای روسیه، تنها راه برای پیروزی نظامی از طریق فرسایش و استفاده از نیروهای

مسلح بزرگ‌تر برای سرنگونی ارتش کوچک‌تر اوکراین است.

مسکوبه‌آرامی درس‌های پرهزینه ابتدای جنگ‌افرا گرفته است. نیروهای بی‌کیفیت

برای دفاع مناسب‌تر هستند و استفاده ماهرانه از خطوط دفاعی گسترده در

حومه‌های مسطح و باز در جنوب اوکراین به کاهش ضدمحمله اوکراین در سال ۲۰۲۳

کمک کرد. روسیه آموخته است که فقط از سربازان با کیفیت بهتر می‌توان برای

عملیات تهاجمی استفاده کرد.

واحدهای زنده مانند پیاده نظام دریایی، نیروهای هوای روسیه موسوم به [VDV]

و نیروهای ویژه اسپتسناز روسیه اکنون تجهیزات بهتر، آموزش طولانی‌تر و آموزش

افسری بهتری دریافت می‌کنند.

آن‌ها همچنین به طور چشمگیری در حال گسترش هستند. به عنوان مثال،

تفنگداران دریایی از پنج تیپ یا حدود ۲۰ هزار سرباز به پنج لشکر افزایش یافته‌اند، یعنی حدود ۷۵ هزار سرباز.

برنامه ریزان نظامی روسیه به سرعت از تیپ به عنوان واحد نظامی اساسی به لشکر نقل مکان می‌کنند.

نرخ بسیار بالای مرگ و میر به روسیه آموخته است که یک تیپ نمی‌تواند خسارات سنگینی را تحمل کند و

همچنان مؤثر باشد. یک لشکر بزرگ‌تر

می‌تواند این ضررها را تحمل کند و تا رسیدن جایگزین‌ها بچنگد.

در حالی که تانک‌ها قبل از جنگ تقریباً منسوخ شده بودند، روسیه و اوکراین

هر دو در نبردهای خود برای قلمرو به شدت به نیروهای تانک تکیه کرده‌اند؛

اماتلفات هر دو طرف زیاد بوده است زیرا پهپادها، مین‌ها و فقدان نیروی هوایی

کارآمد تلفات خود را به همراه داشته است. تلفات تانک‌های روسیه به ویژه زیاد بوده

است. بر اساس آمارهای اخیر از کی‌یف، مسکو از زمان آغاز جنگ بیش از ۸ هزار

نفر را از دست داده است. برآوردهای غربی حاکی از آن است که در شرایطی

که اقتصاد مسکو اکنون در شرایط جنگی قرار دارد، می‌تواند سالانه هزار و ۵۰۰

تانک بسازد، اگرچه بخش بزرگی از این تانک‌ها از مدل‌های قدیمی‌تر با سازگی

شده تشکیل شده است.

با وجود تلاش‌های روسیه، تولید مدل‌های جدیدتر تی-۹۰ همچنان

کند است. اکنون انتظار می‌رود که واحدهای خط مقدم با تانک‌هایی با

قدمت ۴۰ یا ۵۰ سال از زمین باز عبور کنند. پیش‌بینی‌های اقتصادی نشان

می‌دهد که بعید است این وضعیت در آینده نزدیک تغییر کند.

به‌رغم کمبود آشکار تجهیزات نظامی، پیشرفت‌هایی صورت گرفته است.

روسیه در نهایت به این واقعیت که پهپادها در هر شکل و اندازه برای درگیری قرن بیست و یکم حیاتی هستند، نپذیرفت.

پذیرش این فناوری‌های جدید به نیروهای روسی این امکان را می‌دهد که تدارکات و حملات نظامی اوکراین را خیلی زودتر شناسایی کنند.

اکنون می‌توان آتش توپخانه را در زمان واقعی با پیامدهای ویرانگر تنظیم کرد.

واحدهای جنگ الکترونیک روسیه در پارازیت شبکه‌های ارتباطی تاکتیکی

اوکراین و جعل پهپادهای اوکراینی مؤثر بوده‌اند و افسران اوکراینی را از

اطلاعات مورد نیاز برای تصمیم‌گیری سریع محروم و عملیات تهاجمی آن‌ها را مختل کرده‌اند.

این یگان‌های جنگ الکترونیک تجربه کسب کرده‌اند و نسبت به آغاز درگیری

در سال ۲۰۲۲ کارآمدتر هستند و به نیروهای روسی در عملیات نظامی روی

زمین برتری می‌دهند. در هوا، داستان متفاوتی است.

شاید ضعیف‌ترین شاخه نظامی روسیه نیروی هوایی آن باشد.

عملکرد ضعیف مداوم آن با دکترین ضعیف و تلفات تجهیزاتی که جایگزین

کردن آن‌ها سخت بوده است، مطابقت دارد. برخلاف ارتش‌های غربی، نیروی

هوایی روسیه برای کارزارهای هوایی استراتژیک آموزش ندیده و تنها بر روی

پشتیبانی از واحدهای زمینی در صورت نیاز تمرکز می‌کند.

به‌رغم اینکه حداقل چهار برابر اوکراین بود، نتوانست فرودگاه‌ها، انبارهای

مهمات و سایت‌های رادار را در ساعات

آغازین تهاجم نابود کند.

این مسئله بسیار متفاوت از نیروی هوایی غربی است که در عین حال که

از یگان‌های زمینی نیز پشتیبانی می‌کند، قادر است دشمن خود را به‌طور همه‌جانبه

کور و اهداف کلیدی و تشکیلات بزرگ را در زمین منهدم کند. آن‌ها می‌توانند

در دقایق ابتدایی هر درگیری آسیب استراتژیک وارد کنند.

در تلاش برای جبران این ضعف، موشک‌های دوربرد با وجود پدافند

هوایی جامع کی‌یف، به اعماق اوکراین نفوذ کرده‌اند.

پهپادهای ایرانی که به‌عنوان موشک‌های

روز ارزان استفاده می‌شوند، به صورت

رگبار پرتاب می‌شوند و تهدید می‌کنند که

دفاع اوکراین را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

نیروی هوایی از توانایی‌های خود استفاده کرده و بمب‌های سرشی (بمبی است که

به وسیله هواگرد پرتاب می‌شود و دارای بدنه‌ای آیرودینامیک است و نسبت به

بمب‌های سنتی توانایی سرخوردن و پرواز در هوا را دارد) را اغلب از داخل روسیه

پرتاب می‌کند که دقت آن‌ها تا چند متر است و کلاهک‌های بزرگ آن‌ها به راحتی

اهداف اوکراینی را نابود می‌کند.

نیروی بمب‌افکن روسیه مرتباً از پایگاه‌های هوایی دور از خطوط مقدم

بومی خیزد و موشک‌هایی را پرتاب می‌کند که بخشی از حمله هوایی جاری به اوکراین را تشکیل می‌دهد.

جمهوری اسلامی حسن نصرالله و حزب الله را قربانی کرد؟



در حالی که تشدید درگیری حزب الله و اسرائیل وارد مرحله خطرناک هدف قرار دادن رهبران و فرماندهان برجسته این حزب و کشته شدن حسن نصرالله شده، [آیت الله] خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، از اصل «صبر راهبردی» به اصل جدیدی که آن را «عقب‌نشینی تاکتیکی» می‌نامد، گذر کرده است.

البته جمهوری اسلامی هرگز نمی‌خواهد خودش را قربانی اهداف و منافع گروه‌های شبهه‌ناک نظامی وفادارش کند، زیرا معادله آن‌ها برد-برد نیست، بلکه معادله برد این نظام در ازای قربانی شدن کشورها و گروه‌های نیابتی‌اش در منطقه است. ماموریت اصلی این گروه‌ها تامین منافع منطقه‌ای و بین‌المللی نظام جمهوری اسلامی و محافظت از قلمرو ایران است. بنابراین، حمایت لجستیکی، مادی و نظامی جمهوری اسلامی از گروه‌های یادشده به قصد تحقق همین هدف است.

جمهوری اسلامی در طول چهار دهه گذشته برای تشکیل گروه‌های نیابتی و بازوهای نظامی در کشورهای منطقه و جهان بسیار کوشیده و به منظور گسترش نفوذش در منطقه در زمینه‌های مختلف مالی، نظامی و آموزشی از گروه‌های مسلح مزبور حمایت همه‌جانبه کرده و با پیروی از اصل صبر استراتژیک به دنبال تحقق اهداف راهبردی‌اش در نقاط مختلف منطقه و جهان بوده است. بنابراین، جای تعجب نیست که عباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، در واکنش به حملات کوبنده اسرائیل به حزب الله اعلام کند که در حال حاضر، توجه تهران بر از سرگیری گفت‌وگو با غرب متمرکز است.

جمهوری اسلامی در چارچوب «صبر راهبردی» و «مقاومت راهبردی» به حمایت از تمامی نیروهای متحدش در منطقه افتخار می‌کند و آن‌ها را تحت فشار قرار می‌دهد تا به دنبال گسترش نفوذ و کنترل قدرت در کشورشان باشند. سپس از فداکاری گروه‌های مزبور و آسیبی که به کشورهای مختلف می‌رسد، برای مذاکره با غرب، به‌ویژه واشنگتن، بهره می‌برد.

با این حال، تغییرات اخیر سبب شد جمهوری اسلامی، پیش از رسیدن به ساحل، خود را از این کشتی شکسته نجات دهد. حملات کوبنده و پی‌درپی به پایگاه‌ها و منافع جمهوری اسلامی در داخل و خارج از کشور، نظام ایران را بر آن داشت تا درصدد فروش کارت‌هایی که در حال سوختن است، برآید.

جمهوری اسلامی که معتقد بود کنترلش بر عراق دائمی و ابدی خواهد بود، متحمل خسارات هنگفتی

در آن کشور شد، به‌ویژه اینکه بغداد برخلاف تصور تهران به سمت تحکیم استقلال گام برمی‌دارد.

همین امر جمهوری اسلامی را بر آن داشت تا به امید بازبایی قدرت در عراق، جناح‌های عراقی را از لحاظ مالی، اقتصادی و امنیتی تحت فشار قرار دهد، زیرا عراق اولین پل ارتباطی شبهه‌ناک میان و آخرین سنگر دفاع از نظام جمهوری اسلامی است.

جمهوری اسلامی برای هموار کردن مسیر پیشرفت برنامه‌های توسعه طلبانه‌اش در منطقه، میلیارد دلار را برای تقویت نظام بشار اسد و جلوگیری از سقوط آن هزینه کرد. ظاهراً بدهی‌های دمشق به تهران در جریان جنگ داخلی از مرز ۳۵ میلیارد دلار فراتر رفته است. با این حال، پس از وقوع عملیات طوفان الاقصی، دمشق به تهران اطلاع داد که در هیچ رویارویی نظامی علیه تل‌آویو شرکت نخواهد کرد.

از سوی دیگر، حزب الله که سرنوشت لبنان را به سرنوشت غزه گره زد، در ماموریت دشوار مقابله و مقاومت علیه اسرائیل تنها ماند. به‌رغم ویرانی عظیم غزه، حزب الله به حمایت از غزه ادامه داد و پای لبنان را به جنگی ویرانگر کشاند که تاکنون به کشته شدن صدها شهروند لبنانی و ویرانی روستاها و شهرک‌های جنوب این کشور منجر شده است. از حمله مرگبار به حومه جنوبی بیروت که به کشته شدن حسن نصرالله منجر شد تا منفجر کردن پیجرها و دستگاه‌های ارتباطی حزب الله و ترور هدمند رهبران و فرماندهان برجسته این حزب، درگیری اسرائیل و این گروه شکل جدیدی به خود گرفته و تمامی قواعد درگیری را زیر پا گذاشته

است. اکنون برای همه آشکار است که اسرائیل طرف قوی و برنده جنگ است. به همین دلیل، جمهوری اسلامی با درک این واقعیت تصمیم گرفت پیش از نابودی کامل حزب الله از کارت بازی مرتبط با این گروه بهره‌وری کند. حزب الله با ادامه جنگ حمایتی که به سفارش جمهوری اسلامی علیه اسرائیل آغاز کرده بود، امروز با فاجعه‌ای واقعی و سرنوشتی تلخ روبرو است. اکنون این حزب نه توان مبارزه و تحمل خسارات جنگ را دارد و نه قادر است از میدان جنگ عقب‌نشینی کند، زیرا از یک سو، سکوت در برابر آنچه اتفاق افتاده، دشوار است و از سوی دیگر، رفتن به سمت جنگی تمام‌عیار و همه‌جانبه حزب الله را در باتلاقی که تل‌آویو فراهم کرده، فرو خواهد برد.

در واقع، چالش‌های اخیر که از رخدادهای دریای سرخ، بندر حدیده یمن و جرف الصخر در استان بابل عراق، کشته شدن فرماندهان برجسته حزب الله، ترور اسماعیل هنیه در قلب تهران و سقوط هلی‌کوپتر ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور پیشین جمهوری اسلامی برآمده است، [آیت الله] خامنه‌ای را به انتخاب پیشکین برای ریاست جمهوری جدید و حرکت به سمت راهبرد عقب‌نشینی تاکتیکی سوق داد.

در حالی که جمهوری اسلامی به دنبال استفاده از کارت در حال سوختن حزب الله و قربانی کردن این حزب است، اما با این امید که شاید برای تقویت جایگاهش در مذاکرات آینده از این گروه بهره‌برداری کند، همچنان به حمایت از حزب الله ادامه خواهد داد.

• عضو شورای سیاسی جنبش حزب الله لبنان با تأکید بر شکست حتمی صهیونیستها در حمله زمینی به لبنان، گفت که در صورت گسترش جنگ، هم‌پیمانان حزب الله هم وارد عمل خواهند شد.

• وزیر امور خارجه انگلیس گفت که با همتای آمریکایی خود درباره ضرورت حل دیپلماتیک تحولات منطقه صحبت کرده است.

• رئیس‌جمهور ترکیه اظهار داشت: جامعه جهانی نباید در قبال قلدری و یاغی‌گری اسرائیل که منطقه را به سمت آتش جنگ سوق می‌دهد، ساکت بماند.

• سخنگوی کاخ سفید تأکید کرد که حمایت آمریکا از امنیت اسرائیل محکم بوده و متزلزل نخواهد شد.

• جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، درباره مداخله نظامی بیشتر در لبنان هشدار داد و تصریح کرد: مداخله نظامی بیشتر باعث وخیم‌تر شدن اوضاع خواهد شد.

• هم‌زمان با تداوم حملات هوایی اسرائیل به لبنان، اکنون از ورود جنگ به مرحله جدیدی خبر می‌رسد. نشریه صهیونیستی «معارف» با مداد سه‌شنبه گزارش داد که کابینه جنگ این رژیم مرحله بعدی عملیات در لبنان را تصویب کرده است.

• خبرگزاری «رویتز» با مداد سه‌شنبه به نقل از یک منبع امنیتی مدعی شد که نیروهای ارتش لبنان در حال عقب‌نشینی از مرزهای جنوبی هستند. رسانه‌های صهیونیستی نیز گزارش دادند که هنوز دقایقی از آغاز پیشروی زمینی به سمت لبنان نگذشته بود که نظامیان این رژیم مجبور به عقب‌نشینی شدند.

• سازمان پیمان آتلانتیک شمالی با انتشار بیانیه‌ای در پایگاه خبری رسمی این نهاد اعلام کرد که دوران مسئولیت پنس استولتنبرگ در سمت دبیرکلی ناتو روز گذشته به پایان رسید و از امروز سه‌شنبه (اول اکتبر / ۱۰ مهر) مارک روت، نخست‌وزیر سابق هلند، جانشین وی خواهد شد.

• واشنگتن، کنترل درآمد نفتی عراق را از زمان تهاجم غیرقانونی به این کشور در سال ۲۰۰۳، حفظ کرده و این اطاعت مالی و اقتصادی، حاکمیت عراق را متزلزل کرده و اختیار منابع مالی بغداد را تحت کنترل ایالات متحده قرار داده است.

• هآرتص نوشت: نتانیاهو به‌طور کامل علاقه خود را به موضوع آزادسازی گروگان‌ها از دست داده و به دنبال ماجراجویی در لبنان است.

• مهدی فتاوی، تحلیل‌گر سیاسی گفت: حزب الله طرفداران مردمی دارد و این‌ها هر ضربه‌ای بخورند، امکان بازسازیشان وجود دارد. اتفاقاتی که افتاده، حتی می‌تواند به زیان اسرائیل تمام شود.

• فواز جرجس، استاد مطالعات غرب آسیا در دانشگاه اقتصاد و علوم سیاسی لندن گفت: حزب الله توانمندی‌های زیادی دارد، بدانید کسی که جنگ را شروع می‌کند لزوماً پایان‌دهنده آن نیست. به جنگ آمریکا در عراق و افغانستان بنگرید!

• وزیر امور خارجه اسرائیل خطاب به همتایان انگلیسی و آلمانی خود گفت:

آتش بس فقط پس از انحلال کامل حزب الله اتفاق می‌افتد.

• فایننشال تایمز به نقل از یک منبع آگاه گفت: پاسخ حزب الله به ترور حسن نصرالله، وحشیانه‌تر از هر چیزی خواهد بود که تاکنون انجام داده است.

• سخنگوی وزارت امور خارجه در نشست خبری امروز تأکید کرد که «هیچ یک از اقدامات تجاوزکارانه اسرائیل در ارتباط با اهداف مرتبط با جمهوری اسلامی را بدون پاسخ نخواهیم گذاشت و این رژیم برای جنایاتی که در حق ملت ایران، محور مقاومت و اتباع و نظامیان ایرانی مرتکب شده، بدون توبیخ و تنبیه نخواهد ماند». هیچ اقدام متجاوزانه‌ای از فهرست اقدام متقابل ما پاک نخواهد شد؛ طولانی شدن برخی پاسخ‌ها به معنای نادیده گرفتن اقدامات متجاوزان نیست. ما شعار نمی‌دهیم و قطعاً پاسخ پشیمان‌کننده‌ای به اسرائیل خواهیم داد، ما از جنگ نمی‌ترسیم و دست و پای متجاوز را قطع خواهیم کرد.

• رهبر انصارالله یمن گفت: شهادت حسن نصرالله، هیزم تسریع وعده الهی زوال اسرائیل خواهد بود.

• معاون دبیر کل حزب الله لبنان گفت: عده‌ای در این مسیر به شهادت رسیدند، ولی آن‌هایی که ماندند، مطمئناً مسیر پیروزی را ادامه خواهند داد. چندین مواضع صهیونیست‌ها در سرزمین‌های اشغالی را هدف قرار دادیم و شهرک‌نشین‌ها از ترس تنها یک موشک به پناهگاه‌ها پناه بردند و این مسیر ادامه دارد. نبرد با صهیونیست‌ها طولانی است؛ آماده مقابله با هر احتمالی هستیم، مقابل صهیونیست‌ها پیروز خواهیم شد، همان‌طور که در سال ۲۰۰۶ پیروز شدیم.

• وزارت امور خارجه ایران گفت: ایران هیچ برنامه‌ای برای اعزام نیروهای خود برای کمک به حزب الله لبنان ندارد؛ حزب الله ثابت کرده است که می‌تواند از خود دفاع کند. صبر ما ناشی از خردمندی و در چارچوب حفظ امنیت منطقه است.

• کارشناس شبکه صهیونیستی اینترنشنال با اشاره به اینکه با تدبیر و درایت رهبر انقلاب برای محافظت از کشور، [آیت الله] خامنه‌ای به‌رغم تمام اتفاقات در اطراف ایران، هرگز جمهوری اسلامی را در این سال‌ها وارد جنگ نکرد، اذعان داشت: اسرائیل اکنون در جنگ فرسایشی گیر کرده و زمان علیه اوست؛ این همه ترور انجام داد، اما هنوز ساکنین شمال به خانه‌هایشان بازنگشتند و بسیاری مهاجرت کردند. این‌ها واقعیت‌های درونی اسرائیل است. زمان علیه اسرائیل است.

• شبکه اسکای نیوز به نقل از منابع آگاه شایعات مربوط به ترور ماهر اسد، برادر بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه را تکذیب کرد.

• فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران وعده داد: خون سید حسن نصرالله توفنده‌تر از خود او، طومار اسرائیل و اربابانش را در هم خواهد پیچید و رژیم صهیونیستی را به نابودی خواهد کشاند و شما جوان‌ترها این را به چشم خواهید دید.

• نیویورک تایمز به نقل از مقامات آمریکایی نوشت: خطر ورود ایران به جنگ همچنان مطرح است. مشخص نیست که آیا اسرائیل تصمیم نهایی را گرفته و ممکن است تهاجم گسترده‌ای را به لبنان آغاز کند یا خیر. شبکه تونل حزب الله تا حد زیادی دست‌نخورده باقی مانده است.

تبلت / لی اسمیت

اسرائیل با ترور نصرالله، راه پیروزی در جنگ را به آمریکا آموزش داد



شامگاه جمعه، اسرائیل ساختمان‌هایی را در حومه جنوبی بیروت هدف قرار داد و حسن نصرالله، دبیرکل حزب الله را ترور کرد. این عملیات نشان دهنده یک تغییر چشمگیر در استراتژی اسرائیل است. آن‌ها نه تنها نهایتاً دشمنی را که مدت‌ها قادر به کشتن آن بودند، از بین برده‌اند، بلکه گوش‌های خود را نسبت به حامی ابرقدرت بیش از نیم قرن خود نیز کر کرده‌اند؛ اما در این مرحله، توجه به توصیه واشنگتن در جنگ، مانند مشورت گرفتن از فرشته مرگ است. همان‌طور که آمریکا دیگر مایل یا قادر به پیروزی در جنگ‌هایی نیست که آمریکایی‌ها را متعهد به جنگیدن می‌کند، دولت جو بایدن نیز اجازه نخواهد داد که متحدان آمریکا در جنگ‌ها پیروز شوند.

کارزار اسرائیل در روز ۱۷ سپتامبر با منفجر کردن دستگاه‌های ارتباطی حزب الله که اطلاعات اسرائیل آن‌ها را با مواد منفجره به دام انداخته بود، سرعت بالایی گرفت و هزاران نفر از کارکنان پشتیبانی پزشکی و لجستیکی سازمان تروریستی و همچنین جنگجویان را از کار انداخت. از آنجایی که زیرساخت‌های ارتباطی حزب الله و همچنین زنجیره تأمین آن به خطر افتاده بود، مقامات ارشد مجبور به ملاقات حضوری شدند. در نتیجه، اسرائیل توانست ابراهیم عقیل، فرمانده ارشد عملیات را که در حملات سال ۱۹۸۳ به سفارت آمریکا و یادگان تفنگداران دریایی در لبنان شرکت داشت و سایر فرماندهان ارشد نیروهای نخبه رضوان را در حمله‌ای در حومه جنوبی بیروت در روز ۲۰ سپتامبر از بین ببرد. اسرائیل در حملات به پایگاه‌های حزب الله در سراسر لبنان صدها جنگجو را کشته و هزاران موشک و پرتابگر برد بلند و متوسط را منهدم کرده است. با ترور نصرالله و تقریباً تمام فرماندهان ارشد آن، حزب الله سر بریده شد.

مقامات آمریکا با قطعنامه ۱۷۰۱

شورای امنیت سازمان ملل به جنگ سال ۲۰۰۶ اسرائیل و حزب الله پایان دادند. این قطعنامه تصریح کرد که هیچ پرسنل مسلح یا سلاحی در جنوب لیطانی وجود نخواهد داشت، به جز نیروهای دولت لبنان و نیروهای حافظ صلح سازمان ملل. این قطعنامه خنده‌دار بود، زیرا حضور و توانایی‌های حزب الله در جنوب لبنان در دو دهه پس از تصویب آن رشد کرده است. بدیهی است که هیچ شانس وجود ندارد که دولت لبنان علیه حزب الله که دولت را کنترل می‌کند، اقدامی انجام دهد. همچنین آمریکا، فرانسه یا هیچ قدرت دیگری قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت را جز برای تأیید تقاضای لبنان برای پایان دادن به پروازهای هوایی اسرائیل و رهایی ادعاهای مرزی بیروت اجرا نمی‌کنند.

نتانیاھومی دانست که اگر می‌خواهد چیزی بیش از تنزل دادن توانایی‌های حزب الله انجام دهد تا زمانی که حزب الله دوباره تجدید قوا کند و تأمین شود، تنها فرصت کمی در اختیار خود را برای توقف کارزار اسرائیل علیه حماس انجام داده بود، مانند جلوگیری از مهمات مهمی که اسرائیل را از به خطر انداختن جان نیروهای رزمی خود در امان می‌داشت و در عین حال آشکارا با کارزار اسرائیل در لبنان مخالف بود؛

بنابراین، ۱۱ ماه طول کشید تا نتانیاھو بتواند به شمال بپیوندد؛ اما از آنجایی که این تأخیر با تحولات بی‌سابقه‌ای در عرصه داخلی آمریکا هم‌زمان شد، یعنی یک رئیس‌جمهور بازنشسته شد و یک معاون رئیس‌جمهور با پنهان شدن از مطبوعات برای کسب مقام اول مبارزه می‌کرد، اسرائیلی‌ها از فرصت استفاده نموده و حزب الله را در حالی که دفتر بیضی شکل عملاً خالی بود، محاصره کردند.

نصرالله در سال ۱۹۸۹ لبنان را به مقصد ایران ترک کرد و در آنجا این روحانی ۲۹ ساله به [آیت‌الله] خامنه‌ای، رهبر ایران معرفی شد. در خلأ به جا مانده از فوت [آیت‌الله] خمینی، [آیت‌الله] خامنه‌ای در تلاش بود تا قدرت خود را تثبیت کند که شامل کنترل حزب الله، مهم‌ترین دارایی خارجی تهران بود. او ترور موسوی را به عنوان گشایشی برای قرار دادن افراد خودش می‌دید و با عملیات حزب الله علیه نیروهای اسرائیلی در لبنان، افسانه نصرالله به‌طور پیوسته رشد کرد. حتی مقامات اسرائیلی به حزب الله برای بیرون راندن اسرائیل از جنوب در سال ۲۰۰۰ اعتبار می‌دهند، پیروزی منحصر به فردی که شایسته نام نصرالله است، پیروزی در برابر صهیونیست‌های منفور که هیچ رهبر عرب دیگری نمی‌تواند ادعا کند.

تظاهرات اخیر اسرائیل نشان می‌دهد که نصرالله تنها به لطف صبر زیاد دولت اورشلیم در این مدت طولانی جان سالم به در برده است. به نظر می‌رسد نتانیاھو و دیگران امیدوار بودند که مشکل حزب الله زمانی که آمریکایی‌ها به خود بیایند و تهدیدی که ایران برای هژمونی منطقه‌ای آمریکا ایجاد می‌کند را تشخیص دهند، حل شود؛ اما اسرائیلی‌ها پیامدهای استراتژیک تهاجم سال ۲۰۰۳ به عراق را اشتباه فهمیدند. اگر واشنگتن و اروپایی‌ها از کارزار اسرائیل در دو هفته گذشته وحشت زده شده‌اند، به این دلیل است که اسرائیلی‌ها این حقیقت زشت را دوباره مطرح کرده‌اند که هیچ تئوری سبک جنگ، سازمان‌های بین‌المللی یا حتی روسای جمهور آمریکا نمی‌توانند برای مدت طولانی آن را پنهان کنند. جنگ‌ها با کشتن دشمن به دست می‌آیند، بیش از همه، کسانی که به مردم خود الهام می‌دهند تا دشمنان شما را بکشند. ترور نصرالله نه تنها لنگر پیروزی اسرائیل در لبنان است، بلکه پارادایم قدیمی را برای هر رهبر غربی که وظیفه خود را برای محافظت از هم‌وطنان و تمدن خود جدی می‌گیرند، بازسازی می‌کند: دشمنان خود را بکشید.

t.ly/G3ByQ



رصد و ترجمه اندیشه‌های آمریکایی مختص مطالعه نخبگان



سوریان
مركز مطالعات

Sourianc.com